

بازپخش دیجیتال لوینر شماره جریده «لما، افغان» (دور سوم)  
به مناسبت یکصد و دویست سال آغاز نشر

صحیفه (۱)

(سال اول)

شماره (۱)

قیمت سئالینا

دارالسلطنه کابل ۱۰ روپیه کابل

در اطراف داخله مملکت

۱۸ روپیه کابل

در خارج مملکت

۲۲ روپیه کابل

(به هر هفته یکبار نشر میشود)

قیمت یک نسخه آن در کابل ۳ شاهی است

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)



(می نویسد بر افق با خط زرین آسمان)  
(باد بر افغان مبارک دوره امن و «امان»)

(سرمحرر)

(عبدالهادی)

اجرای و چاپخانه

ده افغانان کابل

(همه امورات تحریریه به اداره خانه)

بنام مدیر

(فرستاده میشود)

تاریخ شمسی ۱۰ حمل ۱۲۹۹

تاریخ قمری ۹ رجب سنه ۱۳۳۸

تاریخ انگریزی ۳۰ مارچ ۱۹۲۰ عیسوی

فہم سنہ سنہ سنہ سنہ سنہ سنہ سنہ سنہ

مضمون

صحیفه

مضمون

صحیفه

افتتاحیه

لمحات موت و حیات ۱۰

حوادث خارجیہ: عالم اسلام

اہمیت صلح ترکیہ، مضمون جرنیل استون ۸  
جلسہ کلان در امرتسر، جلسہ وزیرآباد متعلق  
خلافت اسلامیہ در کلکتہ

حوادث داخلیہ

دربار عام و مراسم فاتحہ سال  
وفات اعلیحضرت امیر شہید

سعید ۳

۴ قطعہ

تصاویر:

مخصوصہ

(بیداری ملی) ۵

بچا امان اسلام

لمحات موت و حیات

امروز تاریکترین ایامی است، کہ بر عالم اسلامی سایہ افگندہ  
شدہ از ہر وقت بیشتر امروز مسلمانان دنیا، و احوال  
جگرسوز ... گریہ آور و ندبہ خیز است، دشمنان تاریخی شان  
کامیاب و فاتح، دوستان سیاسی شان مغلوب ... ممالک  
خودشان در لرز، قوای شان منتشر و پراگندہ ... اختلاف  
قائم! ...

مال شان دست دشمن، و بسیاری از ایشان دشمن ناشناس  
... وظیفہ دین، و حیات خود بیخبرند. (اناللہ وانا الیہ راجعون)  
... یک دلی ہست کہ ہزیمت سیاسی عالم اسلام، رفتن شرافت  
اسلامیہ و اماکن مقدسہ بران دل اہمیت و تأثیری دارد، ...  
حال امروزہ عالم اسلام برای، برای اخذ تصمیم آخرین او،

برای یک قرارداد جدی او کافی نیست؟

بخیاں ما اگر کسی ہست کہ خود را یک فرد عالم اسلامی میدانہ،  
نمیتواند کہ امروز ہم یک قرارداد و تصمیم قطعی نکند، یک  
نقطہ زودرس، و راہ کوتاہ مقصود را مد نظر نگیرد.

آن تصمیم قطعی، آن قرارداد جدی، آن وظیفہ مجبوری،  
یقیناً مسلمانان را بمقصد میرساند، و آنها را بر مرادات شان موفق  
میگرداند، و ازین است کہ ما چنانچہ از یکطرف خود را در تاریکی  
شب تیرہ بختی محصور می بینم، و از دیگر طرف ہم چنان  
ستارہ های های درخشان امید، مارا میگوید کہ:

پایان شب سیہ سپیدست

میدان حیات بر عالم اسلامی روز بروز، آن بہ آن تنک تر شدہ  
میرود، و این تشدید فشارها کہ آنها را از ہر طرف دایرہ وار محصور  
می سازد، آنها مجبوراً از ہر طرف بر نقطہ آخرین دایرہ  
(مرکز) جمع میشوند، بالطبع یک جا میشوند و بالمجبوریہ  
مساعی شان متحد میشود و افکار شان بر یک نقطہ توقف می کند،  
و ہمین ستارہ درخشان امید ست.

وقوعات امروزه عالم اسلامی، عیناً نشان میدهند که تکلیف نقاط مختلفه طوایف متفرقه اسلامیان چسان یک شده است:

### ( اناتولیه )

مصطفی کمال پاشا بمعیت تمام ضباط یعنی افسران بزرگ و کوچک عثمانی و اتفاق شیوخ عرب، و جوانان سوریه (شام) یک قونغرۀ دفاع ملی ساخته است، و تمام آناتولی را از دشمن پاک نموده است، از روی خط یکی از ساکنان عشق آباد، معلوم شده است که این فدائیان ملت اسلامی یک قونغرۀ دیگر در (سیواس مغربی) منعقد نموده، و در آن تمام اهالی رومیلیا، و استانبول شریک شده اند.

رئیس قومیتۀ ملیه مصطفی کمال پاشا، مستشار نظارت حربیه رؤف بک اردو قوماندان مصطفی کمال پاشا، و قول اردو قوماندان کاظم پاشا، و فرقه قوماندان رشدی بک، و بایزید فرقه قوماندان ارکان حرب قایم مقام جاوید بک، و رئیس ارکان حرب میرالای کاظم بک، نوری پاشا، خلیل پاشا، همگی یکجا شده دست اتحاد داده در ترقی فکر خود و و اداره اناتولیه می کوشند، صاحب مکتوب مینویسد:

همه ملت کمر بمرک بسته است، تادم آخرین برای محافظه اسلامی و وطنیه مدافعه می کنند. خدا اینها را مدد بدهد آمین ثم آمین. تبعه افغانی و هندوستانی در اناتولیه پیش کوچک جمال پاشا جمع شده اند، و همه بخوبی میگذرانند) این قوه ملیه هر لحظه و هر آن برای مخالفت غاصبین حقوق خود، برای محروم ساختن آنها از حرص و آزشان، بقدای مایملک خود حاضرند! ...

### (یمن)

همچنین، عربهای یمن تحت ریاست امام غیور خود شان قریب یک لک نفر سوار و پیاده بنام استرداد بیت المقدس، جان بکف گرفته برآمده اند.

### (سوریه)

اهالی سوریه یعنی شام شریف (شامی که تمام مزارهای انبیای عظام و اولیای کرام صلوة الله علیهم اجمعین، در آنجاست) بشور آمده، با فرانسسیان که میخواهند آن مقامات متبرکه را پامال کنند، با آن صورت بیتابانه داخل جدال و قتال شده اند، که محاربات بازاری انقلاب فرانسه را از یاد شان کشیده است.

### (شیوخ عراق)

دروغگویی تا یکجائی پیش میرود، آخر شیوخ عراق که بالفاظ نرم و گرم و بی اهمیت نشان دادن واقعات از زبان دشمنان اسلام فریب خورده بودند و حالا بخود آمده اند، و دست و پای که میتوانند میزنند باز بر مضافات بغداد جنک و جدال قایم نموده اند

### (ایران ) -

ملیون ایران چنانچه خبرهای متواتر از آن میرسد؛ بلکه عموم ملت آن منتظر یک انقلاب بزرگ است؛ و حرب آنها با انگریز جاری است، انگریز مجبور شده است، که از نقاط مختلفه عسکر بمقابله تبریز سوق کند.

### ( مصر ) -

طلاب شبان (جوانان) علماء، ارباب امور و اولیای عهد یعنی از وزیر تا فقیر همه گی در یک عالم عصیان اند، کومیسیون ملزم آمد اما کسی نیافت که با او حرف بزند و هر روز چند نفر مقتول از پولیس دولت، و فدائیان ملت؛ بازار سرفروشی مصریان را گرم میدارد

### مراکش

در مراکش سرداران غیور قبایل سر بکف گرفته با افواج مسلح فرانس و هسپانیه میجنگند و روح وطن را باخون خویش خوش می سازند.

### طرابلس

ثابت عزمان طرابلس نمی گذارند که اولاد اعراب طرابلس وظیفه اولین حیات خود «جهاد» را فراموش کنند ... های آن صحاری مقدس تا امروز بخون سنوسیان سیراب میگردد که بر عزت لوای (محمدی صلی الله علیه وسلم) در مقابل دشمنان جان میدهند.

### سومالی لند

غیرت مندان سومالی تحت ریاست (ملا عبدالله سومالی ... غیور مشهور برای مدافعه ننگ اسلامی، برای تخلیص ... وطن سر گرم پیکار است.

### ترکستان

افسران و نظامیان عثمانی در تاشکند قریب ... کرده اند و هنوز هم می کنند تا بغداد را از دست ... بکشند .... این ضباط همان افسران اسپر شده عثمانی اند که در ... آزاد بلکه متفق بولشویک هاستند. در تمام نقاط ترکستان، مکتب های حربیه ... سه سال اخیر کوشش های زیادی برای بیداری ... کرده اند.

### هندوستان

بعد ازان که اتفاق هندو و مسلمان در هندوستان قایم گردیده اختلافات سیاسی خودها را بصورت تسلی بخش تصفیه کردند. حالی باید سی و یک کرور هندستانی ها را ذکر کنیم که آنها اگر چه ... ملت محکوم اند ولی دردهای عالم اسلامی آنها را بسیار متاثر و به تصمیمات جدی مجبور ساخته است. البته قارئین گرامی احوال

طیاره دار بومبه فگن، و توپ آتشفشان و غاز زهردار مقابله می‌کنند؛ برای بریدن پای پیشروی دشمنان خود جان‌بازانه تیر می‌اندازند.

آیا چرا تکلیف اینهمه دورافتادگان يك، و مسلك رفتار شان متحد گردیده است؟

از همین جهت که اگر يك گروه متفرق از هر طرف زیر فشار گرفته شوند دایره جولان حیات بر آنها تنگ شده برود بالطبع بیک نقطه جمع خواهند شد، مجبورند که تکلیف و وظیفه شان یکی شود.

برای عالم اسلام امروز زندگی بار گردن است و ادنی مسلمان می‌داند که وظیفه او در مقابل این حیات چیست؟ اینست که یکدم بیشتر این بار تکلیف، را از گردن خود بردارد، چه تا زندگی

حالات مفصل هندوستان را خوانده باشند و خواهند خواند، اما باید دید که آنها امروز علناً می‌گویند که اگر انگریز با سلطنت سنیه اسلامی عثمانیه مخالف خواهشات متفقه معلومه مسلمانان حرکت کرد. ما وفاداری با انگریز نخواهیم کرد و اگر این را بغاوت می‌گویند باغی هستیم! و برای نشان دادن صمیمیت خود و ثبات عزم خود به ۱۹ مارچ تمام دکانها را بسته می‌کنیم و آخر با حکومت خود (بایکات) قطع تعلقات می‌کنیم، و از مأموریت استعفا می‌کنیم! و زندگی خود را بر سر خلافت تمام می‌نمائیم.

آفرین باد برین همت مردانه تان

وزیری

آخرین و نزدیکترین مدافعان عزت اسلام (ملاک موسی خان) و فضل دین خان، سرگردان غیور وزیرستان اند، که با دشمن



(خوست)

توپ‌ها و دیگر مال غنیمت که از انگریزان در وزیرستان گرفته شد. نفری ملیشیا و منصبداران ملیشیا که در ایام جهاد تسلیم شدند

هیچگاه رخنه مرگ را بسته توانسته است،

شاه و گدا، را این تیر بی‌خطا بیک و تیره اصابت میکنند.

چه بر تخت باشد چه بر روی خاک

اما داغی که بر دل ملت افغان از مفارقت وجود نادرالموجود امیر سعید شهید سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان سوخته است خیلی تحمل سوز و صبر فرسا و کریه‌آور و حسرت بخشاست.

خصوصاً با این طرز ستمکارانه، و اسلوب ظالمانه که این پادشاه مقدس را، شهید گلوله بیداد کردند. حسب قواعد مملکت مراسم سال وفات آن شهید سعید غفرالله، از طرف گیرنده خون پدر منتقم مقدوریت آن شهید پاکیزه سیر، اعلیحضرت امیر امانالله خان (خلدالله ملکه و سلطانه) به ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۳۸ مطابق ۱۹ دلو ۱۲۹۸ با کمال غم و الم اجرا و ایفا شد.

دارد پیش دین و عقل مکلف نزد ملت و وطن مسئول، پیش غیرت و ننگ موظف است که مدافعه حقوق «حیات مسلمانی» بنمایند... (باقی دارد)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سال و فات امیر سعید شهید اعلیحضرت امیر حبیب الله خان سراج الملة والدین نور الله مضجعه

(کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذو الجلال والإکرام)

تیغ آخته اجل که يك لحظه در نیام نه درآمده است سرهای بسیاری بریده، و رؤسای بی‌شماری از پا در افکنده است، پنجه خم ناشدنی مرگ گاهی مغلوب نگردیده است و بروج مشیده

## عیناً نطق همایونی

امروز سال وفات قبله اقدس و اعظم اعلیحضرت امیر شهید است، شهادت اعلیحضرت امیر شهید بسیار جانسوز و کریه آورست، باین ظلم و ستمی که پادشاه افغانستان از دست بعضی خائن‌ها بشهادت رسیده است، هیچ دیده نشده است؛ پارسال این وقت من بکمال حیرانی و پریشانی از یکطرف بشهادت پدر و از دیگر طرف به بیکی خود بسیار متأثر بودم. و مراحم خداوندی جل شانہ و همت و غیرت ملت افغانستان مرا از آن بیکی وارهانیده بمطلب رسانید.

امروز نه تنها از جهت فاتحه سال وفات پدر بزرگوارم غم بمن رو داده است بلکه احوالات امروزه عالم اسلام هم خیلی پریشان کن است، خداوند تعالی ملت اسلام را خراب نکند، بعض مصائب امروز بر عالم اسلامی طاریست، دولت عثمانیه، بیک حال بسیار اسفناکی گرفتار است، بجهت اختلاف مابینی دشمن اسلام موقع یافت که بآنها ضرر برساند، دول اروپا میخواهند خلافت اسلامیہ نباشد، هر چند امریکا رسماً خودرا ازین میانه کشیده است، و فرانس هم اظهار اختلاف میکند.

همه ارباب مناصب ملکی و نظامی، و فرقه محترم علما و تجار و طلبه مکاتب حربیه و حبیبیه و سفرا و مستخدمین و ملتجئین خارجه بواسطه (تکت خبری) خبر شده بودند.

در سلامخانه عام بوقت ده بجہ روز همه گی حاضر گردیده بودند. از ۱۱ بجہ ۲۰ دقیقه گذشته بود که اعلیحضرت همایونی بدریار تشریف آوردند، همه (ولای) شده رسم تعظیم و سلام بجا آوردند، اعلیحضرت بر تخت عالی بخت سلطت سنیه افغانیه با کمال وقار نزول اجلال فرمودند.

بعد از حکم نشستن همگی حضار محترم نشستند عالیقدر جلالتمآب ناظر داخلیه علی احمد خان نطق را که از هر طرف عموم مردم بحضور همایونی برای ادای تعزیت نوشته شده بود بزور قرائت کرد. مضمون آن ادای تعزیت آن شهید مغفور؛ و دعای سلامتی وجود نادر الموجود نعم البدل همایونی (خلدالله ملکه) بود.

بعد اعلیحضرت همایونی باچهره غمگین و صدای غم آلود بنطق مبارک ذیل افتتاح کلام ملوکانه فرمودند:



(متون)

(منصبداران شجاع خوست که در محاربه  
(تهل) جانفشانی نمودند)

في سبيل الله ارادة مهاجرت داشته باشند چرا که مسئله مذهبی است. قلم من قلم شم ملت افغان است (صداهاى تصدیق) من برای دولت بریطانیه نوشته ام که خلیفه تحت حمایت دیگر کس بودن و در مسئله خلافت علی ای صورت کان دخل دادن شما را هیچ مسلمانی و هیچ مسلمان قبول ندارد.

افغانستان غیور نمیتواند و هیچ حوصله ندارد که این مسئله را قبول کند سیاستی را که دولت روس تعقیب میکند، طبعاً تمام مسلمانها را بخود جلب می کند، چنانچه آزادی بخارا و خیوه را دولت روس قبول کرده گویا دو دولت اسلامی دیگر دنیا آمد، ما ازینجهت بسفیر روسی اظهار تشکر می کنم.

مایقین کرده نمیتوانیم که دولت انگریز این چنین اراده یا عزمی داشته باشد، زیرا دوستی افغانستان را آرزومند است، و دوستی افغانستان هرگز درینصورت ممکن نیست.

جای خوشی است که هندوستانیها تماماً بشدت بر مسئله خلافت ایستاده اند جناب مولوی محمدعلی و شوکت علی دو نفر مسلمانان که رؤسای معاملات سیاسی هندوستان اند، وکالت عمومی کرده میگویند با مسئله خلافت اسلامیہ حسب خواهش مسلمانان تصفیہ شود یا غزا و یا هجرت میکنیم.

هندوها هم میگویند مامتفق مسلمانان هستیم، برای خلافت وطن عزیز خود را آنها ترك میکنند، افغانستان با همه وسعت خود حاضر است، برای قبول کردن اینچنین مهاجرینی که

دول غیرمسلم (اتحاد اسلام) را شنیده خیال می‌کنند، این تشبث برای برپادی ماست، اما حقیقت اینست که مراد از آن و مقصد ازان ترقی و تعالی و بهبودی خود اسلامیان است و بس، اتحاد یکدیگر را که مسلمانان می‌خواهند ازینجهت که موجب آبادی اسلامیان اتحاد خود آنهاست .

اگر این فداکاری برای اتحاد اسلام، و جان نثاری برای ترقی آن نباشد، و ملت افغانستان و عموم عالم اسلام درینوقت دادن جان خود را در راه اعلائی اسلام دریغ کنند، باید امروز را دو فاتحه خوانده گسیم اسلام را جمع کنیم، خدا نخواستہ باشد، و فاتحه اسلام گاهی خوانده نمی‌شود؛ خدا محافظ آنست اما ترقی عالم اسلام حیات عالم اسلام بر فداکاری عالم اسلام منحصر است، خدا میداند که جان دادن خود برپادی سلطنت خود را در مقابل آن کسانی که بخوانند فاتحه اسلام را بخوانند، مانند خس هم قدر نخواهم کرد.

البته من مغمومم که پدر بزرگوار من کشته بیداد و ستم است پدر هر کس می‌میرد، ولی باین ظلم و ستم کسی نشنیده است، اما این مغمومیت من نسبت به غمی که از عالم اسلام دارم پریشان کن نیست شما مرا تسلی می‌دهید، من دعا می‌کنم که خداوند عالم اسلام را از مصائب محفوظ دارد، و افغانستان را از مصائب نگهدارد. و خدا مرا توفیق بدهد خدمت شما ملت را بخوبی بکنم؛ شما ملت باید متفق و متحد شده در راه خلافت اسلامیہ جان خود را برابر خس ندانید.

مایقین داریم که دولت انگلستان و مدبرین دانای انگلستان عالم اسلام خصوصاً عالم افغانستان را از خود نخواهد رنجانید. فرض کردم دوستی افغانستان را در نقطه خلافت بکار نداشته باشد اما باین تشبث خود را در تهلکه می اندازد و امان الله برای دادن جان خود در راه اسلام همیشه حاضر است

وَقَالُوا لَنْ نَحْيِيهِمْ

(بیداری ملی)

در دنیا کسی نخواهد بود که برای مدافعه زندگی خود، آخرترین کوششهایی که میتواند و تدبیرهای که میداند بکار نیندازد حتی در راه دفع ضرر از زندگی خود؛ بارها زندگی خود را تلف هم می‌کند.

یعنی چیزی که آنرا انسان دوست دارد، حیات خودش است «حیات»، را بجان و دل باید دوست داشت، و هر چیز را نسبت آن فدا باید کرد. اما یک چیز

- آن چیز چیست که انسان حیات خود را فدای آن کند؟

- آنهم حیات است و تفصیل این را بشنوید.

در دنیا دو «حیات» است،

### (۱) حیات شخصی

#### (۲) حیات ملی

حیات شخصی فطرتاً، دیناً آنقدر عزیز افتاده است که نسبت بآن منفعت سرمایه مال و منال و اولاد، صحت جسم، نقص اعضا همه چیز را انسان فدا می‌کند.

طبیعتاً وقتی که بر گلو، یا بر روی شمشیر حواله شود، دستها با حرکت غیرارادی مدافعه جان می‌کنند،

وقتی که يك انسان بخريدن خون خود مجاز شود، بفدای مال و منال حاضر می‌باشد،

وقتی که آب تا گلو برسد، بچه زیر پا نهاده میشود، وقتی که انسان در قتل و دست بردن مختار شود، به بریدن دست راضی میشود، معلوم که حیات شخص خود را از هر چیز عزیزتر دارد!

دیناً خودکشی از گناهان کبیره ست بدست خود خود را در تهلکه انداختن و بآیه قرآن منع است، معلوم که حیات شخصی در نظر دین هم موقر و محترم است.

اما همین انسان حیات دوست را می‌بینیم که در بارانهای گله و شریپل و بومب، و در شعله‌های جانشوز آتش بی آنکه بقدر ذره خم ابرو کند یا مال و منال و اولاد بیادش بیاید، می‌درآید، زخمی میشود، کشته میشود،

همان حیات عزیز خود را فدا می‌کند، همان جسم نازکدانه خود را که بر بسترهای نرم باهستگی می‌خواباند، در سنک های کوهها بمصادمه تکه های بمبها و گوله‌های سینه شکاف توپها و تفنگها، و سیم‌های خاردار روحربا خود را در خاک و خون می اندازد

برای چه ؟

برای «حیات ملی» !

دین هم او را اجازه میدهد نی نی بلکه برو فرض میگرداند که حیات ملت خود را فدای حیات شخصی خود مدافعه کند نگاه دارد.

ای برادران ! کسی از ما هست که حیات ملی را بشناسد شخص خود را در مقابل ملت خود فدا کند، دوستی ملت را ایمان خود بداند اگر نیست چرا نیست؟ دعوی مسلمانی بکدام زبان کرده میتواند! اسلام می‌گوید:

«نفس یعنی شخص تان تابع و مددگار شیطان است آنرا پیروی نکنید؛ هرگاه حسیات شخصیه، یا نفسیه تان عروج کند مگذارید! که آن حسیات ملیه تانرا مغلوب میسازد، حیات شخصی بر حیات ملی غالب می‌آید، حالآنکه حیات شخصی برای حیات ملی است.

اعتبار و احترامی که در دین برای حیات شخصی هست ازین جهت که حیات شخصی جزو و خادم حیات ملی است!

پس ما و شما که دعوی مسلمانی داریم، ازین اساس اصول مذهب خود چرا بیخبریم و چرا پی آن نمیگردیم!

غیرنظامی (مثل فرقه‌های ملل موسی و ملک فضل دین در وزیرستان) ساخته و آنها را متحد نموده و علیه مخالفان وطن شوریدند. بیدارانی که در عرب بود هم با آنها متفق شده. باز بغداد را مورد حملات شیرانه نموده اند، و علی‌الاعلان ندای جهاد مقدس داده اند.

فدائیت این ملت بیدار لرزه در اندام دشمنان شان انداخته آنوقت آنها را استعباد و تحت‌الامر خود قرار میدادند، حالا اعلان می‌کنند که ترکیه از ترك است.

اول امریکا راضی بود؛ بران مقامات بنام حمایت تصرف کند، حالا که میبیند آن ملت خوردنی نیست از صلح انکار می‌کند البته جای ناگرفته را چسان باو می‌بخشند. (از کیسه خلیفه بخشیدن) همین معنی دارد.

نماینده‌گان عثمانی در پاریس راضی شده بمجلس صلح گفته بودند، که اگر استانبول و آناتول رای عثمانی مستقلاً واگذار شوند، ارمنستان را استقلال خواهد داد؛ اما بمجردی که ملت عثمانی شنیدند مجلس‌ها کرده و جمعیت‌ها یکجاشده آخر آن نماینده‌ها را معزول کردند. یقین باید دانست که

عروس ملک کسی تنگ در کنار گرفت

که بوسه از لب شمشیر آبدار گرفت

«راحت طلبی، کار ملت خواب برده است؛ ملت زنده در حرکت و جنبش می‌باشد»؛

در آسیا ایران را تماماً انگریز بلعید؛ اما طرابلس را بر کنار اورپا، ایتالی نتوانست تحت قبض آرد زیرا در آن سرزمین زنها هم کمر جهاد بستند؛ تا بمردان چه رسد؟

حالا در ایران هم؛ افراد بلکه فرق بیدار الحمدلله پیدا شده است که میداند دشمن را بکدام اسلحه باید زد جمعیت اتحاد اسلام که میرزا کوچک از رؤسای آن است سرگرم مدافعه ملی است.

میرزا کوچک عزم کرده ست تا که دشمن را از خاک ایران بیرون نکند موی خود را نخواهد گرفت! از سال‌ها با همین قواره (هتی بال) مصمم شده‌ست نفوذ خارجه را قلع و قمع کند.

حالا بس‌ست قارئین را موقع دقت کردن داد و باز کدام وقت دیگر این عنوان آن را ذکر می‌کنیم انشاء الله

### چهاردهمین شماره

( اهمیت صلح ترکی )

در باب معاملات ابتری مشرقی بسیاری از آنچنان وقوعات که خطرناک خیال میشوند موجود است - حالات ترکی و قفقاز برای ما معلوم نیست که چه است مستر مانتیکو اینرا مناسب خیال کرده است.

(۱) (هتی بال) یک جرنیل قوای ملی است که رومانیها را از وطن خود قرطاجنه بقوه دفاع ملی بیرون رانده است. موی‌های درزا و افری دارد

انتظار بشاشت بار اضطراب انگیز ختم می‌شود و صدای موتر آزادی خواهان هند فداکاران وطن را، غریو عمومی پانزده لک نفر که هر یکی از رهنمایان را نام گرفته می‌گفتند. (فاتح باد ...) (زنده باد ...) استقبال کرد طاقهای ظفر پر زیب و زینت ساخته بودند که بران کلمات بینات (جاء الحق و زهقالباطل إن الباطل کان ز هوفا) و از قبیل اینها با آب زر نوشته بودند پاندازه‌های قیمتی مخمل و کمخواب و قماش های خیلی نفیس فرش کرده بودند.

خانه های که در وقت (جشن سرکاری هندستان) چراغ معمولی شبانه خود را گل کرده بودند، امشب از دست چراغان نظر ربا، سواد هند را روز روشن سعادت ساخته بزبان حال می‌گفتند!

خدا زیاده کند داغ عاشقان ترا

همینکه سواری فدائیان قوم؛ محرکان بیداری ملی رسید از چار طرف گل‌ها مانند باران بر سرشان ریختن گرفت آنقدر گل ریختادند که بر سرک یک و نیم فوت گل جمع شده بود.

حمایل های طلا بگردنشان می‌آویزند، عرابه‌های شانرا بجای اسب‌ها انسان‌ها برشانه گرفته جلو میکشند، برای آنکه به حریف خود بدانند ما وطن خودرا، حقوق خود را و حامیان حقوق خود را قدر کرده می‌توانیم، چشم ما باز است نفع و نقصان دوست و دشمن را می‌شناسیم.

خوانندگان محترم، آیا در باب ( بیداری ملی) چیزی عرض کرده توانستم که شما بفهمید، حالا یک نمونه دیگر از مملکت آزاد مقدور عثمانی در خصوص بیداری ملی بیان کنم ، و آینده هم انشاءالله عنوان (بیداری ملی) صفحات جریده عاجزانه را املا خواهد کرد.

شاید از این میانه یکی کارگر شود

زمانه صبرآزما، وقوعات تحمل سوز امید زدائی بر آل عثمان؛ ششصد ساله حاملان علم خلافت پیش آورد بدرجه که راضی شدند. بی هیچ بعد از ۶ ساله زحمت جنگ با انگریز متارکه و مصالحه کنند، کردند، و بر اقوال او اعتماد نمودند. آخر بان پایه رسید که وزرای جلیل عثمانی اسیر شده می‌رفت کسی چیزی گفته نمی‌توانست، تحت‌الحمايه بودن عثمانی را انگریزها تجویز کردند (لاقدر الله). سلطان جز خامشی چاره ندید. قوای دولتی ناموجود و ناکافی، قوت دشمن بر لب دریا استاده،

اما بیداری ملی چون در عثمانی بخوب پیمانده موجود است ، کی روا میداشت، آخر واقعه صلیب زدن بر مسجد مقدس ایاصوفیا آن حس را بهیجان آورده و نهرهای گلگون ، و شاخ‌های زرین از خون خود و دشمنان ریخته و آنها را مایوس ساختند که نمی‌توان هنوز در ممالک اسلامی جراتی کرد

تمام ضباط یعنی افسران عثمانی حتی طرفداران متارکه خود شان وقتی که دیدند، دشمن با کمال بیحیایی دست بر نوامیس دینی و وطنی، قومی و عراقی انداخته است به اناتول برآمده ، فرقه‌های

که اعلان این امر که تا حال کدام کارکننده بولشویک در حدود هند داخل نشده است نمایان شائع شود - جنک افغانستان بیک طریق تسلی بخش ختم شده است بدامنی موسم بهار باز در مصر شروع شده است ، و در باب واقعات آینده فلسطین چیزی اطمینان نیست

المختصر: در تمام مالک مشرقی بدامنی و بدنظمی برپا شده است و تاوقتیکه آن مسائل که از باعث جنگ پیدا شده اند تصفیه نشود این ناآرامی همین قسم میماند - بر عهدنامه صلح چیزی که امریکه در باب معاملات ترکی و مشرق وسطی حصبه میکرد ، از آنسبب بنا بر عدم اطمینان تمام دنیای اسلام بحالت خطرناک تذبذب و شکوک مبتلا است - تعداد رعایای مسلمانان ملک معظم نسبت به رعیت عیسائی زیاده است و برای ما این یک امر اهم است -

بنیاد مشکلات آن مسئله خلافت است - اگر بولشویکها دشمنی و جذبات مسلمان را آله سازشهای خود ساخته استعمال

کنند برای مقبوضان مشرقی ما باعث یک خطر میتواند شد - در باب بودن و نبودن هوم رول یک بغاوت وسیع در هندوستان برپا شده نمیتواند چرا که یک هندوستانی درجه اوسط در باب هوم رول هندوستان نسبت بیک رأی دهنده انگلستان معلومات و توجه کم دارد لکن اگر کدام مسائل مذهبی در بین حائل شود مسلمانان مثل برق خود را آماده و درخشان ظاهر میکنند -

خلیفه المسلمین پیشوای دنیای اسلام است و روایات گذشته هم متفق این امر است که آن ذات عالی سلطان به سلطنتهای اسلامی باشد - سلطان ترکی بلاشک خلیفه المسلمین بود لکن ما تجزیه ترکی را نموده ایم که هنوز تصفیه این امر نشده است که ما بهمراه آن چه خواهیم کرد هندوستانها وسعت همدردی تر کها را بالعموم محسوس کرده نمیتوانند تعریف وفاداری سپاهیان عراق عرب و فلسطین، کرده شده است و آنها نیز مستحق این تعریف هستند.



(جرگه وزیرها که در متون (خوست) انعقاد یافته)

در باب بولشویکها این بیبایه تحقیق رسیده است که باعث ترغیبات آن فسادات ماه مارچ و اپریل که در مصر شروع شده بود همانا دادن پیسه ها است که بقبائل صحرائی داده بودند خبرهای دق کن کامیابی بولشویکها در میان مسلمانان ایشیا از هفته گذشته می آید -

تا شروع شدن جنک، خطر شدید روس در دلای حکام هندوستان جاری است لکن در آغاز آمد و رفت هندوستان از دورا دور افریقه و بعد از آن از راه بحیره روم و نهر سویز بر دل ما مردم اینقدر اثر انداخت که گاهی اینرا فکر نکردیم که از راه شمالی هند هم مردم آمده میتوانند - این اثر دلای ما را اضافه تر متأثر ساخته که ما در سبقهای جغرافیه خوانده ایم که کوه همالیه شمالی هندوستان را مثل یک دیوار ناقابل گذر محیط نموده ، لکن علاوه از راههای ایران و بلوچستان و افغانستان دیگر راههای تجارهی هم

لکن حقیقت اینست که بعضی از آنها حامی اکثر ترکها شده بودند و چون آنها محبوس میشدند بهر عنوان امداد ترکها را میکردند . انور پاشا در (قسطنطنیه) از امرای صنف سواری هندوستانها یک رساله مکمل در اغون (محافظ شاهی) ترتیب داده است - در همه وقت جنک حالات سرحد نهایت مخدوش بود -

(معلوم میشود که این ایجاد نو است چرا که بیشتر ازین بر وفاداری مسلمانان هندوستان هیچ وقت اینقسم داغ زده نشده بود - ایدیتر)

ارض مقدس ما برای مسلمانان هم یک زمین پاک است - درجه تقدیس بیت المقدس که از هر طرف مسلمانان جمع می شوند نسبت به مکه شریفه دوم است - از سبب آن تجاوزی که بیت المقدس بزیار اقتدار یهودیها مانده شود در عالم اسلام یک ماده حیرت و سکتها پیدا شده است -

جرمنی اول در روس لینن را فرستاده و در آنجا بولشویزم برپا کرده. الحال جرنیل خود (فان در کولدز) نام را همراه فوج در آنجا روانه کرده می گوید که جرنیل مذکور و فوجش یاغی شده. آیا حکومت هندستان ان امرا احساس دارد که برای جرمنی این امر چه قدر آسانست که همچنان در افغانستان هم يك مرکز هوایی خود را قائم کند. نقصی که ما را در هندوستان از يك حمله هوایی غیر میرسد و از ان نقصان بسیار زیاده تر است که حمله هوایی ما به افغانستان رسانده میتواند.

#### قبائل سرحد

مادر اشاعت گذشته خود تشریح نمودیم که جنگ‌های افغانستان و سرحد برای هندستان چه قدر نقص مالی و جانی رسانده و اگر چه درین ایام حکومت انگریزی همراه حکمران افغانستان صلح کرده است، مگر دقت باید کرد که به چه قیمت! يك افسر نظامی که درین محاربه شاهد عینی بود و در اخبار تایمز چنان می نگارد :-

است که از طرف وسط ایشیا کوه همالیه را عبور کرده به هندوستان میرسند و مدام رفت و آمد (ماسوای موسم زمستان) از کوه همالیا جاری است، چنانچه اشخاص آمده گی ترکستان روسی و بخارا مدام رفت و آمد خود را جاری داشته خبرهای وسطی ایشیا را به تمامها به شمالی هندوستان شائع میکنند.

پیسه اخبار ( عبدالجبار مترجم اداره امان افغان)

#### مضمون جرنیل ستون در پاؤنیر

بخاطر امنیت سرحد لازم است که يك دسته جهازات هوایی برای سرحد مخصوص باشد: تا که مافورا باخبر باشیم و به آسانی کشفی کرده بتوانیم بهترین مرکز هوایی: چاونی (توت کی) یعنی پاراچنار است زیرا که هم به سرحد نزدیک است و هم به کابل.

اگرچه جرمنی صلح کرده است مگر نیت او تاحال مخلصانه نه شدهست او از اروپا مایوس شده توجه خود را به مصر، ائرلند، افغانستان، روس و ایران خواهد کشاند.



#### (خوست)

( مال غنیمت که از دست انگریزان در وزیرستان گرفته شد )  
(ملکان و کلان شوندگان وزیر )

بر افغانستان حمله نمود، این فوج عظیم چون این قدر مسافت دراز را قطع کرد، قرار گرفت و بر دشمن نگرانی شروع کرد. اینجا افواج مقابل تا ماهها يك دیگر را دیدند، فوج انگریزی میگفت: « اگر شما بچه‌ها یعنی فوج افغانی، طرز عمل خود را درست نه کردید؛ ما شما را امیزنیم؛ فوج افغانی برین لافزنی، انگریزان می خندید، زیرا که میدانست که این لشکر بزرگ انگریزی حرکت هم کرده نمی تواند -

نامه نگار مذکور میگوید :-

ما فوج بیشمار داشتیم مگر غیر از بارگیر آذوقه رسان دیگر هیچ بارگیر پیش ما نبود. ما لاف میزدیم که اگر افغانان طرز

ما بر واقعات جنگ افغانستان فخر و مباهات نگریسته نمی توانیم بلکه سوال اینست که این جنگ را مافتح کردم یا درین شکست خوردیم؛ بخیال ما بر افغانان فتح حاصل نه کردیم و اگر ما این جنگ را از نقطه نظر ایشان به بینیم، ایشان در شرائط صلح هرچه که خواستند، گرفتند، لهذا موقه اطمینان و جائی تسلی را دارند.»

در باب شرائط، ما همراه نامه نگار مذکور اختلاف رائی داریم؛ لکن حقیقت واقعات را باعث فخر و لائق بیان نمی بینیم. حکومت انگریزی عظیم ترین و بهترین لشکر را که تا امروز برخلاف حکمران افغانستان جمع شده باشد، بر سرحد سوق نمود، موزیک‌ها نواخته، و بیرق‌ها را گرفته



بود. جواب وایسرای اگرچه همدردانه بود مگر نهایت مایوس کن بود. خلاصه جواب این بود که اگر معامله ترکی قرار خواهشات شما تصفیه نشد من امید میکنم که اهل هند بر وفاداری خود قائم خواهند ماند.

در همان روز یکبار از طرف مشیر حسین قدوائی از لندن بنام مولانا عبدالباری آمد که فرانس و ایتالیه در مسئله خلافت قدری نرم شده اند، مگر افسوس که برطانیه مثل سابق بر خلاف ترکان آماده و تیارست.

برادران! این طرز عمل يك سلطنت عظیم دنیا است، مگر ما باید بر رحمت احکام الحاکمین تکیه کنیم و دعا کنیم اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر إنک علی کل شیء قدير. این را بعد از هر نماز باید بخوانیم.

تقریر شیخ صادق حسین: طرز عمل برطانیه از بسیار وقت همراه مسلمانان معاندانه بوده است. برطانیه همراه ترک در جنگ بلقان چه کرد؟ و در جنگ طرابلس چه کرد؟ و در جنگ یونان چه کرد؟ اگر درینبار حکومت برطانیه بر مواعید خود قایم نماند نتیجه اش برایش خوب نخواهد بود. اگر این مواعید وفا نشدند در وفاداری ما تزلزل خواهد شد اگر جذبات ما پایمال کرده شد، ماهرگز ذمه وار نتایج آن نخواهیم بود.

جرنیل مارس در اخبار دیلی نیوز يك مضمون شائع کرده است، و این امر را بخوبی تشریح نموده است که این جنگ های سرحدی غیر از نقص دیگر هیچ چیزی برای حکومت انگریزی نرسانده است. خلاصه مضمونش اینست:

از حامیان روش تعرضی می گویند که باید ما انگریزان حدود خود را توسعه نموده، تا حدبخشی افغانی برسائیم و این قبائل جنگجو سرحد زیر حکومت خود آورده، مهذب بسازیم. تا که ضرورت روانه کردن افواج برای تادیب شان باقی نماند. مگر دقت باید کرد که برای رام کردن اهل قبائل چه قدر قوت و چه قدر فوج و سرك و تهانه ها بکار خواهد بود. پیش روی ما مثال دره خیبر موجود است که برای حفاظت یک سرك ما چقدر چهاونی ها در آنجا تیار کرده ایم.

این کار نه صرف مصارف کثیر را محتاج است، بلکه بعد از تکمیل آن حکومت انگریزی خواهد دید که ما همان جایی خواهیم بود که از آنجا روانه شده بودیم.

این قبائل احکام کابل را فقط در آن وقت قبول می کنند که برای مقاصد شان مفید باشد. و چون همراه حکومت انگریزی در يك جنگ ملوث میشوند؛ از کابل امداد می خواهند، و حکمران کابل برای امداد شان مجبورست، و گر نه برای تخت و جانش خطر للاحق می گردد.

عملی خود را درست نه کردند، ما جلال آباد را خواهیم گرفت، کابل را مسخر خواهیم نمود، و تمام ملک را پایمال خواهیم کرد. ما برای این غرض فوج کثیر داشتیم، مگر برای حرکت بارگیر هیچ نبود، افغانان هیچ پروا نه کردند - باز ما بقوم خود گفتیم که ما افغانان را خوب سبق دادیم. بلی این سبق ضرور دادیم که ما ترسانده می توانیم مگر چیزی کرده نمی توانیم - امکان دارد که در جنگ مسعودان هم همین قسم بکنیم.

فوج انگریزی تا سرحد انگریزی به بسیار شان و شوکت رفته است. و از وزیرها و مسعودان استفسار میکند که آیا شما طرز عمل خود را درست خواهید کرد؟ مسعودان جواب گفتند که «نی نمی کنیم»، وزیرها میگویند که «ما شما را درین باب اطمینان داده نمی توانیم»

تمام سرحد در شورش است. مدام دهارهائی شان می آیند. در کوهات (۲۵۰) نفر بازار را غارت کردند و تا دونیم ساعت در آنجا مصروف بودند، کسی مزاحم نه شد اگر چه دور بازار بارک فوجی موجود میباشد - کسی دستگیر هم نشد.

این جنگ ها برای هندستانی ها غیر از مصارف کثیر و تلفات جانی دیگر فائده نمی رساند. مبالغ که باید بر تعلیم و صنعت و حرفت ماصرف شود، درین جنگ ها تلف میشود.

\*\*\*

#### (جلسه کلان در امرتسر)

۸ دلو - مردم اهل اسلام در هندستان تجویز کرده بودند که قربانی گاو موقوف شود و برای مجرمان واقعه کنارپور که در آنجا بروز عیداضحی اهل هنود دو سال قبل مسلمانان را کشته بودند و حکومت هند آن هندوها را سزای موت و قید داده بود از ویسرای معافی خواسته بودند، اهل هنود به طریق شکریه اهل اسلام در امرتسر به ۸ دلو يك جلسه کردند اکثر افراد مقتدر اهل هنود تقاریر کردند خلاصه این بود که: ما اهل هنود شکریه مسلمانان را بجا آورده نمیتوانیم هر موی ما مرهون شان هست. مسلمانان این احسان را بامید معاوضه نه کرده اند بلکه بحیثیت يك ملت عالی حوصله و فیاض انجام داده اند. ما هردو برادر وطن تا امروز جدا و متفرق بودیم مگر (زنده باد مارشالا) که ما را متحد ساخت.

۵ دلو يك جلسه عظیم مسلمانان امرتسر زیر صدارت مولانا ثناؤالله خان انعقاد یافت. مولانا صاحب اجمالاً کوائف آن وفد اهل هند را که پیش وایسرای برای اصلاح مسئله خلافت رفته بود بیان کرد و گفت که هندو برادران مادرین معامله بسیار کمک ما را کردند. نظاره اتحاد مسلمانان و هندوها برین موقعه قابل دید

حاضر بودند و تمام خانه اجلاس پرشد مجمع اینقدر زیاد بود که بیرون هم يك جلسه قائم کرده شد. صدر جلسه مولانا ابوالکلام آزاد بودند.

به تحریک مولانا عبدالباری و تائید مستر شوکت علی و تجاویز ذیل پیش و منظور شدند: جلسه ما که در آن اهل رأی هر طبقه هندو و مسلمان شریک هستند، بران رویه‌ئی که بادی کلان کنبتری و دیگر پیشوایان مذهبی و مدیران مسیحی در باب حکومت اسلامی ترکی اختیار کرده اند، به نهایت سوز و ناراضگی بنظر حقارت می‌بینند و روبروی جمله حکام ذمه دار بالفاظ صاف و صریح بیان میکنند که اگر تصفیه صلح ترکی خلاف احکام مذهبی و مطالبات اسلام بعمل آمد، یعنی اگر وقار خلافت اسلامی بحال مانده نشد و از حالتی که پیش از جنک بود تغییر داده شد. مسلمانان بنابر پابندی شرع شریف مجبور میشوند که از برطانیه جمله مناسبات وفاداری را قطع نمایند. و هم برای مسلمانان فرض هست که برای خلیفه اسلام خلاف دشمنانش از هر ذریعه ممکنه مدد برسانند.

#### تقریر صدارت

«بر مسلمانان فرض ست که احکام خلیفه‌المسلمین را قبول نمایند و کسانیکه از تعمیم احکام خلیفه‌المسلمین انکار نمایند، مسلمان نیستند. اگر مسلمانان برین اصول کار بند باشد از دست هیچ قوم شکست نخواهند خورد. اماکن مقدسه را در دست دول غیرمسلم گذاشتن در مذهب اسلام مضر است و باید هر مسلمان صادق برخلاف این کار روائی صدای احتجاج بلند بکند از روی کتب اسلامی در ملک عرب فقط امن نجیبه آنحضرت (ص) بود و باش میتواند کرد، و غیر مسلمان در آنجا قدم گذاشته نمی توانند.

پس برای هر مسلمان فرض ست که امر مبارک نبی اکرم (ص) را در خیال خود داشته باشد.

که خلاف این گاهی بظهور نه رسد. لذا برای مسلمانان لازم است که بذریعه نیابت‌ها و وفدها این احکام را بر آن مردم که برای فیصله کردن مسئله خلافت نشسته اند، واضح بکنند و گمان غالب است که مسلمانان ازین کوشش‌های خود کامیاب خواهند شد. و اگر درین خواهشات خود ناکام گردند؛ پس مسلمانان هند خود را آماده و تیار کرده، در آن صورت نازک برپابندی مذهب خود استوار باشند. (باقی دارد)

(مطبعة کابل)

بازتایپ و تدوین دیجیتالی: قاسم آسمایی

بازپخش: سایت راه پرچم ۳۰ مارچ ۲۰۲۲

با تأسف در شماره قابل دسترس صفحه های (۶ و ۷) کمبود است

باید که ما این روش تعرضی را خیر باد بگویم و این قبائل را کاملاً آزاد کرده فقط آن را حفاظت کنیم که پابند قانون هستند و اگر گاهی این قبائل شورش کنند، از ایشان تاوان بگیریم.

سبب شورش سرحد، شهادت امیر صاحب شهید، و اختلال افغانستان و حالت غیر مذبذب صلح دولت عثمانیه بوده است. مسلمانان عالم از طرف استقبال خلافت خود بسیار پریشان هستند. (هیچ شبهه نیست، اداره) تخم اختلال کاشته شد، باید که ما برای میوه آن تخم تیار باشیم.

مسئله شورش سرحد دماغ حکمرانان هندستان را از يك عصر پریشان می‌کند مگر حل آن تا حال پیدانشده. باید که این مسئله را علاج بر اصل کنیم و گر نه يك روز خزانه هندستان زیر بار مصارف کثیرش خالی خواهد شد.

۱۲ دلو

(از امر تا بازار بترکا)

#### جلسه در وزیرآباد

مولوی ظفرعلی خان بعد از نماز جمعه در مسجد وزیرآباد يك تقریر پرچوش ایراد نمود. اول مولوی صاحب مسئله خلافت را به وضاحت بیان کرد و بعد از آن در باب مواعید دولت برطانیه که در حق خلافت و مقامات مقدسه کرده بود، تشریح نمود و گفت که اگر چه انگریزان گفته بودند که ما بر مقامات مقدسه حمله نخواهیم کرد. مگر به ۲۸ جدی اخبار سول ملتری گزت می‌نگارد که مدینه طیبه را فوج انگریزی فتح کرده است. این است مواعید برطانیه!

خیر ما همین قدر می‌گویم که اگر مسئله خلافت قرار خواهش ما تصفیه، شد، ما نه حکومت هند را به آرام خواهیم گذاشت و نه خود به آرام خواهیم نشست.

(از آفتاب)

#### ضبط یک کتاب

اخبار رسمی کلکته می‌گوید! يك کتاب را که بران دستخط مولوی عبیدالله ناظر داخلیه حکومت موقته هند ایچ عزیز نایب ناظر داخلیه میباشند و از طرف حکومت موقته هندشائع شده است و به الفاظ (بهادر هندستانی ها) شروع میشود، حکومت انگریزی ضبط کرده است.

مترجم احقر ظفر حسن

(از دستور)

(عالم هندستان)

(مجلس خلافت در کلکته)

(دست برداری و نفرت مسلمانان و هندوها از وفاداری برتانیه)

(۸) حوت - مجلس خلافت امروز در کلکته منعقد شد. سرکرده‌های هندستان و پنجاب و مسلم و هندو به تعداد کثیر